

تعبیر «ملاحم» و «فین» هم که از این روایت کرده‌اند، نوعی اشعار به فضای غالبی دارد که به آن اشاره کردیم.

نتیجه نهایی و یکجا

آن چه خلاصه جلسات سال جاری تاکنون شد، این است:

- به اقتضای قواعد، منعی برای اخذ اجرت از سوی قضات، پیرا قضات، متکفلان بیان دین، معلمان علوم دینی و... نیست. اخذ اجرت در واجبات نیابت پذیر نیز صحیح است.
- در خصوص اذان، اخذ اجرت غیر جایز یا خلاف احتیاط است که نباید ترک شود.
- وضعیت اذان هنری و مسابقه در اذان متفاوت از آن چه بیان کرده ایم، است.
- برای برخی کارها چون اصدار فتوا و زعامت نیز اخذ اجرت خلاف احتیاط لازم است. این را می توان از تناسب حکم و موضوع فهمید.
- گاه عروض عنوان ثانوی باعث عدم جواز می شود.

معنای عدم جواز اخذ اجرت و حرمت اتخاذ مؤذن

عدم جواز اخذ اجرت به معنای بطلان عقد اجاره و جعاله و عدم تملک اجیر نسبت به مال الاجاره و جعل است؛ چنان که موجب ضمان نیز خواهد بود. همچنین اجیر حق تصرف در آن را ندارد، مگر خارج از عقد و قرار، صاحب مال راضی به تصرف اجیر باشد که در این صورت مصداق «تصرف در مال غیر با طیب نفس او» است که بدون اجاره هم این تصرف مجاز است. و چنان چه این اجاره به قصد تشریح و امر جایز تلقی شود قهرا تکلیفا هم حرام است. این مورد مثل سایر موارد است که در مورد آن ها به طور کلی گفته شده:

«و معنی حرمة الاکتساب: حرمة النقل و الانتقال بقصد ترتیب الاثر المحرم ... اما لو قصد الاثر المحلل فلا دلیل علی تحريم المعاملة الا من حیث التشریح»^۱.

البته این بیان را نیز داریم:

«الذی یقتضیه النظر الدقیق: ان ما یکون موضوعا لحلیة البیع بعینه یکون موضوعا لحرمة ... و هكذا الکلام فی سائر المعاملات ...»^۲.

ضمنا به اقتضای معتبره سکونی، اتخاذ مؤذن برای اذان گفتن بنفسه حرام است، مگر اینکه این اتخاذ به همان عدم جواز اخذ اجرت (به معنایی که توضیح داده شد) برگردد. در این صورت پدیده جدیدی نخواهد بود.

۱. کتاب المکاسب، ص ۳.

۲. مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۳۰.

جواز ارتزاق مؤذن از بیت المال مطلقا یا با نبود متبرع در پرداخت (یا در اذان گفتن)^۳

گفته شد: ارتزاق مؤذن از بیت المال یا از سهمیه خاص وقف شده برای مؤذنان جایز است. در اینباره محقق نجفی فرموده است:

«و أما جواز ارتزاقه من بیت المال فلا خلاف اجده فیه، کما عن مجمع البرهان الاعتراف به، بل عن غیر واحد نسبتبه الى الاصحاب مشعرا بدعوى الاجماع علیه، بل فی التذکره و المحکّی عن المختلف و المنتهی دعواه صریحا علیه. نعم قیّده جماعة من الاصحاب بعدم وجود المتطوّع، بل لا خلاف اجده فی ذلک، بل عن التذکره الاجماع علیه؛ ضرورة عدم المصلحة للمسلمین فی ارتزاقه معه، کضرورة عدم جواز صرفه فی غیر مصالحهم، فمع وجود المتبرّع حينئذ الجامع لشرائط الکمال لا يجوز ارتزاق غیره قطعاً. أما إذا کان المتبرّع فاقد بعض صفات الکمال - التي فی وجودها مصلحة للمسلمین، کالعدالة و نحوها - اتّجه حينئذٍ الجواز».^۴

اقول: نسبت به فرض وجود متبرع در پرداخت وجهی به مؤذن (یا متطوع در اذان گفتن بدون هیچ چشم‌داشتی از بیت المال)^۵ و عدم جواز آن در این صورت از بیت المال یا به شرطی که متبرع واجد صفات کمال باشد، نباید مثل محقق نجفی برخورد کرد. باید معیار را مصلحت در مصرف بیت المال، خراج و مقاسمه قرار داد و اقتضای مصلحت متفاوت است؛ گاه با وجود متبرع در پرداخت وجه یا متبرع در انجام اذان، باز هم مصلحت در عهده داری مؤذن خاصی است، هر چند باید زندگی او را از بیت المال راه انداخت حتی اگر دلیل اختصاص وجهی به او، مؤذن بودن او باشد.

مرز اجرت و جعل با رزق از بیت المال

فقه‌های بزرگ تفاوت‌هایی را بین این دو طریق گذاشته‌اند که قاعدتاً نیازمند بیان نیست. تنها نکته قابل دقت پرداختن به برخی مصادیق است که گاه گسست آنها سخت می‌شود؛ مثلاً اگر بین بانیان مسجد و مؤذن صرف مقاوله و قراری بر پرداخت وجه باشد یا مسجد موقوفه معینی دارد که سهم مؤذن را معین کرده است، این موارد، به گمان ما از موارد جواز و ارتزاق است نه منع و اخذ اجرت. دقت شود.

۳. جواز ارتزاق مؤذن از بیت المال در فرضی که بتوان صدای اذان را با دستگاه پخش کرد نیز مجال گفتگو دارد.

۴. جواهر الکلام، ج ۹، ص ۱۲۱ (چاپ جدید).

۵. به تفاوت این دو توجه شود. شاید مفروض کلمات، فقط مورد اول است نه هر دو! ولی ذکر هر دو صورت مناسب است.